

مفهوم مدیر عملی و مقایسه‌ی مسئولیت او با مدیر قانونی در شرکت‌های تجاری (مطالعه‌ی تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه)

پیمان حسینی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۳

چکیده

مدیریت یکی از ارکان مهم یک شرکت تجاری است. مدیر شرکت نه تنها نمایندگی شخصیت حقوقی شرکت تجاری را به عهده دارد بلکه عنصری تعیین‌کننده در پیشبرد اهداف شرکت و حفظ سرمایه‌های سهام داران است. با توجه به حساسیت جایگاه مدیر و وسعت اختیاراتش در شرکت تجاری، قانون‌گذاران هم در کشور فرانسه و هم در ایران سعی نموده‌اند با توسل به اهرم‌های قانونی این اختیارات را محدود کنند تا از تضییع سرمایه، حقوق سهام داران و اشخاص ثالث جلوگیری نمایند البته محدوده‌ی مسئولیت مدنی و کیفری مدیران در قوانین تجارت فرانسه و قوانین ایران با تمام کاستی‌هایش مشخص است، ولی در برخی شرکت‌ها، در غیاب مدیر قانونی، اشخاصی از بین شرکا و یا شخص ثالث بدون انجام تشریفات قانونی، مسئولیت هدایت شرکت را به عهده می‌گیرند. این اشخاص در قانون فرانسه با عنوان مدیر عملی شناسایی و میزان مسئولیت مدنی و کیفری آن‌ها مشخص شده است اگرچه در برخی موارد به نظر می‌رسد که مسئولیت‌های مدیر قانونی شامل حال مدیر عملی نمی‌شود، مدیر عملی بر اساس قواعد عمومی، مسئولیت به مراتب بیشتری به عهده دارد. در قانون تجارت ایران هنوز چنین نهادی مورد شناسایی قرار نگرفته که این خلأ قانونی، نه تنها زمینه‌ی تضییع حقوق سهام داران را فراهم می‌آورد بلکه موجب طرح دعاوی متعدد در دادگاه‌ها می‌شود.

واژگان کلیدی: مدیر عملی، مدیر قانونی، شرکت تجاری، مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری

مقدمه

بی‌شک یکی از قابل‌توجه‌ترین و مهم‌ترین قوانین پس از قانون مدنی، قانون تجارت است که می‌توان به جرات گفت مواد قانونی مربوط به شرکت‌های تجاری از مهم‌ترین بخش‌های این قانون و راهکاری مؤثر برای تجمیع سرمایه‌های افراد به صورت قانونمند برای انجام فعالیت اقتصادی است. فرض یک شخصیت حقوقی برای یک شرکت برای اینکه دارای حق و تکلیف شود و بتواند با دیگران به دادوستد بپردازد، از دیگر راهکارهای قانون‌گذار برای تسهیل و مطابقت موجودیت یک شرکت با قوانین است؛ و در نهایت در این بین مسئله دیگری که اهمیت غیرقابل‌انکاری دارد، نمایندگی این شخصیت حقوقی است که به خودی خود توانایی معامله کردن با دیگران را ندارد چون موجودی فرضی است که باید توسط موجودی ذی‌شعور هدایت شود.

وجود یک نمودار تشکیلاتی در یک شرکت و انتخاب یک نفر به عنوان رأس هرم با موافقت شرکا که بتواند در چارچوب قوانین موضوعه و توافقات شرکا سکان هدایت شرکت را به دست گیرد و وارد معامله با اشخاص ثالث شده، گزارش سود و زیان هر ساله شرکت را به شرکا ابلاغ کند، یکی از ارکان اساسی تضمین‌کننده موجودیت یک شرکت است که بدون آن استمرار حیات یک شرکت در خطر قرار خواهد گرفت.

نظر به نقش مهمی که مدیر در پیشبرد یک شرکت بازی می‌کند و نظر به اینکه او تمام سرمایه شرکت را در اختیار گرفته و سرنوشت شرکت رابطه مستقیم با تصمیمات او دارد، از این رو در قوانین تجاری هر کشوری با توجه به نوع آن شرکت، قوانین و محدودیت‌های برای مدیر آن شرکت وضع شده تا او به نحوی عمل نکند که موجبات ضرر و زیان شرکت و یا شخص ثالث را فراهم نماید. به همین ترتیب قوانین تجارت ایران و فرانسه نیز هر یک قوانین مخصوصی برای محدود کردن اختیارات مدیران و مشخص کردن میزان مسئولیت آن‌ها دارند. در این مقاله قصد داریم تفاوت‌ها و شباهت‌های قانون‌گذاری در ایران و فرانسه را در مورد مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت‌های تجاری مورد بررسی قرار داده و از این راه مسئولیت‌های نهادی به نام مدیر عملی^۱ که در قانون فرانسه به رسمیت شناخته شده را معرفی و چگونگی و میزان مسئولیت‌های در رویه ی قضائی و دکترین این کشور را مورد بررسی قرار دهیم تا دریابیم آیا میزان مسئولیت مدیر عملی و مدیر قانونی یکسان است و چنانچه تفاوتی در این مورد وجود دارد در چه شرایطی این تفاوت‌ها می‌تواند در میزان مسئولیت مدیر عملی تغییر ایجاد کند؟

^۱ Dirigeant de fait

تعریف شرکت تجاری و مفهوم مدیر آن

در قانون تجارت ایران تعریفی از شرکت تجاری دیده نمی‌شود. (اسکینی، ۱۳۸۷، ص. ۱۵) و تنها تعریفی که می‌توان در مورد شرکت در قوانین ایران یافت، تعریفی است که در مورد عقد شرکت در ماده ۵۷۱ قانون مدنی^۱ ایران آمده است. ولی با توجه به هدف تشکیل شرکت تجاری که صرفاً سود بردن و تقسیم آن میان شرکاست که در این صورت اهداف غیرانتفاعی را در بر نمی‌گیرد و همچنین وجود شخصیت حقوقی که مالکیت به نحو اشاعه‌ی شرکا را از بین برده و مالکیت اموال شرکت را صرفاً متعلق به شخصیت حقوقی می‌داند، می‌توان به‌خوبی دریافت که تعریف شرکت مدنی و شرکت تجاری نمی‌تواند یکسان باشد.

یکی از حقوق دانان برجسته معتقد است که شرکت تجاری، قراردادی است که به‌موجب آن دو یا چند نفر توافق می‌کنند سرمایه‌ی مستقلی را که از جمع آورده‌های آن‌ها تشکیل می‌شود، ایجاد کنند و به موسسه‌ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می‌گردد، اختصاص دهند و در منافع و زیان‌های احتمالی حاصل از به‌کارگیری سرمایه‌ی سهامی شونند. (اسکینی، ۱۳۸۷، ص. ۲۱)

در ماده ۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه شرکت به این صورت تعریف شده است: شرکت متشکل از دو یا چند شخص است که بر اساس یک قرارداد توافق می‌کنند به منظور تقسیم سود یا بهره بردن از پس‌اندازی که از آن منتج می‌شود، اموال یا صنعتشان را به یک موسسه مشترک اختصاص دهند. (...)^۰ مسئولیت زیان‌ها [نیز] به عهده‌ی شرکا است.^۲

با توجه به وجود شخصیت حقوقی برای شرکت که یک فرض قانونی است، هر شرکت نیاز به یک مدیر دارد تا اراده شخص حقوقی را به اجرا درآورد که مدیر خود می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد. در هر صورت مدیر شرکت چه در قانون تجارت ایران و چه در فرانسه، نماینده شخصیت حقوقی برای انجام تمام اعمالش محسوب می‌شود و اختیارات وسیعی در اختیار دارد ولی قدرت اجرائی و مسئولیتش محدود به چارچوب ذکر شده در اساسنامه و همچنین قوانین موضوعه در این مورد است. از این رو مقایسه میزان مسئولیت مدیران شرکت و ضمانت اجراهای مطرح شده در قوانین دو کشور ایران و فرانسه، می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

^۱ شرکت عبارتست از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه.

^۲ L'article 1832 du Code civil : la société est instituée par deux ou plusieurs personnes qui conviennent par un contrat d'affecter à une entreprise commune des biens ou leur industrie en vue de partager le bénéfice ou de profiter de l'économie qui pourra en résulter. (...) Les associés s'engagent à contribuer aux pertes.

مسئولیت مدیر شرکت تجاری

با توجه جایگاه مهم مدیر در یک شرکت تجاری، قانونگذار چه در ایران و چه در فرانسه، ضمانت اجراهای مختلفی برای خارج نشدن او از حدود مسئولیت خود پیش‌بینی نموده‌اند. بررسی مسئولیت مدنی و کیفری مدیر در یک شرکت تجاری در قوانین ایران و فرانسه، تشابهات و تمایزات این دو قانون را در مورد مسئولیت‌های مدیران شرکت مشخص، و امتیازات و کاستی‌های هر یک از این دو قانون نسبت به یکدیگر را نمایان مینماید.

۱.۱. مسئولیت مدنی

مسئولیت مدیر یک شرکت تجاری را در حیطه‌ی حقوق مدنی می‌توان در دودسته کلی قراردادی و غیر قراردادی یا مسئولیت مدنی مورد بررسی قرارداد. مسئولیت قراردادی یک مدیر از مسئولیت او به‌عنوان مدیر یک شرکت ناشی می‌شود که بر این اساس او در برابر سهام دار و اشخاص ثالث مسئول است و مسئولیت مدنی یا غیر قراردادی مدیر زمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد که شرکت از حالت عادی خود خارج شده، چه به دلیل مشکلات قانونی شرکت باطل اعلام شود و چه شرکت در وضعیت تصفیه قرار گرفته باشد. این دو حالت زمانی موردنظر است که مدیر شرکت بر اساس رأی شرکا و از طرف آن‌ها به‌صورت قانونی انتخاب شده باشد و نام او در اساسنامه ذکر شده باشد. ولی حالت دیگری که می‌توان در نظر گرفت زمانی است که مدیر شرکت به نحوی از انحاء (به دلیل استعفا یا فوت یا هر دلیل دیگر) در جایگاه خود نباشد و یکی از سهام داران یا شخص ثالث بدون طی روند قانونی و انجام انتخابات از طرف سهام دار، جایگاه مدیریت را به خود اختصاص دهد و اداره شرکت را به عهده گیرد. این نهاد در قانون فرانسه مدیر عملی نامیده می‌شود که می‌توان مسئولیت او را هم در زمانی که شرکت در حالت عادی^۱ است و هم زمانی که شرکت در وضعیت تصفیه^۲ قرار دارد مورد بررسی قرار داد.

در ادامه برای روشن نمودن مسئولیت‌هایی که بر مدیر عملی بار می‌شود، ابتدا مسئولیت قراردادی و مدنی مدیر قانونی را به‌طور اجمالی بررسی می‌نماییم تا پس از آشنایی با مسئولیت‌های مدیر قانونی در قانون تجارت و مقایسه‌ی آن با مسئولیت‌های مدیر عملی، تشخیص دهیم چه

^۱ La société in bonis به شرکی اطلاق میشود که همچنان از تمام حقوق خود به عنوان یک شرکت بهره مند است (Braudo & Baumann, 2016)

^۲ La procédure collective در مقابل وضعیت قبلی قرار دارد و آن زمانی است که شرکت تحت تصفیه قانونی قرار گرفته است و از حق در اختیار داشتن اموالی که در گرو طلب غرامت، محروم است. (Braudo & Baumann, 2016)

مسئولیت‌هایی بر اساس قانون تجارت و چه مسئولیت‌هایی بر اساس قواعد عمومی بر عهده‌ی مدیر عملی گذاشته می‌شود

۱.۱.۱. مسئولیت قراردادی مدیر شرکت در قانون تجارت ایران و فرانسه

زمانی که شرکت در وضعیت عادی قرار دارد و مدیر شرکت بر اساس قوانین وضع شده در مورد آن شرکت و در حدود اساسنامه در حال اداره شرکت است می‌توان مسئولیت قراردادی او را مورد بررسی قرار داد.

مسئولیت مدیران شرکت‌های مسئولیت محدود در قانون فرانسه زمانی که در وضعیت عادی است طبق ماده^۱ L223-22 قانون تجارت فرانسه بدین صورت است: *مدیران، منفرداً یا متضامناً، حسب مورد، در برابر شرکت و شخص ثالث، چه در مورد نقض قوانین و مقررات قابل اجرا در شرکت‌های مسئولیت محدود، چه در مورد تعدی از اساسنامه و چه در مورد ارتکاب تقصیر در اداره شرکت، مسئول هستند.*

در این ماده، همان‌طور که از محتوای آن برمی‌آید، قانون‌گذار سعی نموده مسئولیت مدیران را از سه بعد اساسی متذکر شود که این ابعاد شامل مسئولیت مدیر در قبال سرپیچی از قوانین موضوعه در مورد شرکت‌های مسئولیت محدود، تعدی از حدود وظایفش از اساسنامه و همچنین سوء مدیریت مدیر هستند که پیش‌بینی قانون‌گذار در این مورد به اندازه‌ی کافی فراگیر و دوراندیشانه به نظر می‌رسد.

ولی قانون تجارت ایران آن‌چنان‌که باید به مسئولیت مدیران این نوع شرکت در زمان عادی نپرداخته است و برخلاف قانون تجارت فرانسه هیچ اشاره‌ای به مسئولیت مدیر این نوع شرکت در مورد تخلف از قوانین مربوط به این شرکت و یا اساسنامه و یا حتی تقصیر او نمی‌نماید و در ماده ۱۰۵ قانون تجارت در مورد شرکت با مسئولیت محدود^۲ (زاهدی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۹) صرفاً سعی نموده تا به صورت کلی محدوده‌ی اختیارات مدیر را مشخص نماید: *مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن*

^۱ Les gérants sont responsables, individuellement ou solidairement, selon le cas, envers la société ou envers les tiers, soit des infractions aux dispositions législatives ou réglementaires applicables aux sociétés à responsabilité limitée, soit des violations des statuts, soit des fautes commises dans leur gestion.

^۲ ماده ۱۰۵ - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است

نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است. چنانکه از ماده مستفاد می‌شود، این ماده به حدود اختیارات مدیر پرداخته که بیان‌کننده آزادی عمل او در چارچوب اساسنامه است و نه فراتر از آن و اینکه چنانچه به‌طور مثال شرکا سعی نمایند خارج از اساسنامه با ایجاد تعهد برای مدیر اختیارات او را محدود نمایند، این محدودیت صرفاً بین طرفین این تعهدنامه قابل‌اجراست و اثرات آن به شخص ثالث تسری نمی‌یابد.

همچنین در مورد شرکت‌های سهامی در قانون فرانسه مسئولیت مدیران صرفاً به زمان مدیریت شان در وضعیت عادی محدود نمی‌شود و چنانچه عملکرد مدیران باعث خسارت به شرکت شده باشد حتی پس از بطلان همچنان مسئول جبران این خسارت‌ها هستند. چنانچه ماده L225-249 قانون تجارت فرانسه در این مورد اشعار می‌دارد: «مؤسسینی که بطلان شرکت منتسب به آن‌هاست و مدیرانی که در زمان مدیریت آن‌ها این بطلان اتفاق افتاده را می‌توان متضامناً مسئول خساراتی دانست که به سهام دار و اشخاص ثالث به خاطر بطلان شرکت وارد شده است. همین مسئولیت تضامنی می‌تواند علیه سهام دارانی که آورده‌ها یا امتیازاتشان سنجیده و تأیید نگردیده است، در نظر گرفته شود.»^۱

ماده ۱۴۳ لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت^۲ ایران مشابه همین ماده است با این تفاوت که در این ماده به مسئولیت مدیران در زمان بطلان شرکت اشاره نشده بلکه مسئولیت مدیران را در زمان انحلال یا ورشکستگی شرکت چنانچه این وضعیت معلول تخلف آن‌ها باشد، مورد بررسی قرار داده است. ماده ۱۴۲ لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت^۳ ایران نیز صرفاً به مسئولیت مدیران در صورت تخلف از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت پرداخته است.

^۱ Les fondateurs de la société auxquels la nullité est imputable et les administrateurs en fonction au moment où elle a été encourue peuvent être déclarés solidairement responsables du dommage résultant pour les actionnaires ou pour les tiers de l'annulation de la société. La même responsabilité solidaire peut être prononcée contre ceux des actionnaires dont les apports ou les avantages n'ont pas été vérifiés et approuvés

^۲ در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارائی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار می‌تواند تقاضای هرذینفع هریک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارائی شرکت بنحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً به تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارائی شرکت ممکن نیست محکوم نماید.

^۳ مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی با اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی برحسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هریک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.

چنانچه مشاهده می‌شود در قانون تجارت ایران برخلاف فرانسه، صرفاً سعی شده به مسائل بسیار متداول و کلی بسنده شود و از ورود به مسائل جزئی و موارد استثنائی که با برخورد با آنها به علت فقدان مواد قانونی مدون، هم خواهان و هم دستگاه قضاوت دچار مشکل می‌شود خودداری نموده است. حال با وجود چنین نواقصی در قانون‌گذاری در مورد مسئولیت‌های قانونی یک مدیر، این مشکلات در مورد مسئولیت مدنی مدیر شرکت ظهور و بروز به مراتب بیشتری دارند، زیرا در چنین مواردی نه تنها گستره مسئولیت‌های مدیر افزایش می‌یابد که در نتیجه نیاز به توجه و مواد قانونی بیشتری دارد بلکه در زمان فقدان مواد قانونی در مورد مسئولیت مدیران باید بتوان برای حل دعاوی به آنها رجوع نمود. ولی آیا قانون تجارت ایران توانسته است آنچنان که باید قوانین منظم و مدونی در این مورد ارائه نماید؟

۱.۱.۲ مسئولیت غیر قراردادی (مسئولیت مدنی) مدیر شرکت

مسئولیت غیر قراردادی یا مسئولیت مدنی مدیر شرکت زمانی در نظر گرفته می‌شود که او نه به دلیل رابطه قراردادی‌اش با شرکت، بلکه به دلیل تقصیری که مرتکب شده و زیانی که به دیگری وارده نموده است، مسئول است و به هر صورت باید زیانی را که به تقصیر، تسبیب یا به عمد به شرکت و یا شخص ثالث وارد نموده است، جبران نماید.

در مورد مسئولیت مدنی مدیر شرکت در قانون تجارت ایران نمی‌توان مواد قانونی زیادی پیدا کرد. به‌طور مثال یکی از اندیشمندان برای بررسی مسئولیت غیر قراردادی مدیر شرکت سهامی، صرفاً به ماده ۶۱ قانون تجارت^۱ منسوخ اکتفا می‌نماید که طبق آن مدیران بر اساس قواعد عمومی مسئول هستند و آن هم زمانی که منافع موهومی را تقسیم نموده باند و یا از تقسیم چنین منافعی جلوگیری نکرده باشند. (ستوده تهرانی، ۱۳۷۵، ص. ۱۸۵)

مسئولیت مدنی مدیر شرکت با مسئولیت محدود در قانون ایران زمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد که طبق ماده ۱۰۱ قانون تجارت، بطلان شرکت به خاطر تخلف از قوانین آمره مواد ۹۶ و ۹۷ قانون تجارت انجام شده باشد؛ که در این صورت «مدیر در صورتی مسئول است که حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن، سرکار بوده باشد و لازم نیست که عمل خود مدیر باعث بطلان شده باشد و شرط مسئولیت مدیر این است که انجام وظیفه نکرده و به عبارت دیگر، نسبت به

^۱ مدیرهای شرکت در مقابل شرکت یا اشخاص ثالث برای تخلف از مقررات این قانون و تقصیراتی که در اعمال اداری شرکت مرتکب شوند موافق قواعد عمومی مسئول می‌باشند مخصوصاً در موقعی که منافع موهومی را تقسیم نمایند یا از تقسیم منافع موهومی جلوگیری نکنند.

رفع سبب بطلان اقدام نکرده باشد، قانون تجارت، عمل منفی مدیر را در برابر سبب بطلان، خطا و موجب مسئولیت او تلقی کرده است.» (اسکینی، ۱۳۸۷، ص. ۲۷۰)

ولی در مورد شرکت‌های تضامنی کمبود قوانینی که به‌وضوح مسئولیت مدیران را معین و مشخص کند و در صورت تخلف از این تعهدات به ضمانت اجراهای کافی متوسل شود تا حق شرکا و شخص ثالث پایمال نشود کاملاً مشهود است. چنانچه در مورد شرکت‌های تضامنی ماده ۱۲۱ قانون تجارت مسئولیت مدیر این نوع شرکت را مطابق با ماده ۵۱^۲ قانون تجارت که منسوخ شده است می‌داند. در ماده اخیر مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا را همان مسئولیتی می‌داند که وکیل در مقابل موکل دارد خود جای بحث دارد ضمن اینکه یکی از اندیشمندان صریحاً به تناقضات موجود در این ماده اشاره نموده است. (اسکینی، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۰)

در قانون فرانسه مدیر متعهد به درستکاری و صداقت^۳ در انجام وظایف خود است و مدیران باید در جهت منافع شرکت گام بردارند (De Cordt, 2009, p. 42) و این تکلیفی است که توسط رویه‌ی قضائی فرانسه به عهده‌ی مدیران گذاشته شده است.^۴ و در پرونده مورد اشاره هرگونه فریبکاری مدیر شرکت در مورد سهام دار که در جهت مصلحت سهام دار نباشد و به‌منظور سود شخصی مدیر انجام گیرد را خلاف اصول درستکاری و صداقت دانسته و مدیر شرکت را در این مورد مسئول می‌داند.

نظر دیوان تمیز فرانسه در مورد مسئولیت‌هایی که متوجه مدیر شرکت است خود قابل توجه است: اینکه مدیر یک شرکت با مسئولیت محدود که شخصاً تاجر نباشد به‌محض اینکه افعال ذکر شده علیه او، ارتباط مستقیمی با اداره شرکت که او نماینده‌ی قانونی آن است، داشته باشد نمی‌تواند او را از محاکمه در دادگاه تجارت معاف نماید. به همین دلیل است که در برابر دادگاه تجارت اعمال مدیریتی و همچنین اعمالی که بنا به شبه جرم رقابت ناسالم در حین انجام وظایفش به‌عنوان نماینده‌ی شرکت انجام داده است، به‌حق، همان‌قدر به شخص او منتسب است که به صلاحیت‌ها و سمت او.^۵

در این رأی دیوان تمیز فرانسه آنچه بیش از همه باید مورد توجه قرار گیرد این است که این دادگاه مدیر را در مورد اعمالش همان‌قدر در جایگاه مدیریت و نماینده شخص حقوقی مسئول

^۱ حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده.

^۲ مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد.

^۳ L'obligation de loyauté

^۴ Cour de Cassation, Chambre commerciale, du 12 mai 2004, 00-15.618, Publié au bulletin.

^۵ Cour de Cassation, Chambre commerciale, du 7 avril 1967, 64-14.121, Publié au bulletin

می‌داند که به‌عنوان یک شخص حقیقی. از این رو حتی در مورد ارتکاب شبه جرمی مانند رقابت ناسالم که عملی است کاملاً مربوط به رویه تجاری یک شرکت، باز هم مدیر هم به‌عنوان نماینده‌ی شرکت و هم به‌عنوان یک شخص حقیقی در برابر دادگاه تجارت مسئول است حتی اگر خود تاجر نباشد.

بررسی مسئولیت‌های مدنی و قراردادی مدیر قانونی حدود وظایف و مسئولیت شخصی که در جایگاه مدیر شرکت قرار می‌گیرد را برای ما مشخصی و نمایی کلی از آن به ما ارائه می‌دهد، در نتیجه برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام برخی مسئولیت‌های مدیر عملی که با مدیر قانونی مشترک است را در همان مبحث به آن می‌پردازیم.

۱.۲. مسئولیت کیفری

در این مبحث سعی می‌شود مسئولیت کیفری در نظر گرفته شده در مورد مدیران را در مورد شرکت‌های سهامی و شرکت‌های با مسئولیت محدود با توجه به رواج بیشتر آن‌ها بررسی شود. به جرات می‌توان گفت که مواد قانونی مربوط به شرکت‌های سهامی با توجه به لایحه‌ی اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ شمسی، بسیار به‌روزتر از مواد قانونی تجارت ۱۳۱۱ است و قانون‌گذار در زمان خود سعی نموده با گرده‌برداری از قانون تجارت فرانسه، جواب‌گویی بسیاری از نیازهای این نوع شرکت باشد. در واقع، برخلاف دیگر شرکت‌ها، در مورد شرکت‌های سهامی، یک بخش کامل به قوانین جزائی اختصاص داده شده است که شامل مواد ۲۴۳ تا ۲۶۹ لایحه‌ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ می‌شود. مهم‌ترین ماده این لایحه در مورد مسئولیت مدیران ماده ۲۵۸ است که ضمانت اجرای یک تا سه سال حبس برای آن در نظر گرفته شده است. با کمی مسامحه می‌توان گفت که ماده ۲۵۸ عیناً همان ماده L242-6 قانون فرانسه است و حتی بندهای این ماده با بندهای ماده مذکور مطابقت دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. ماده ۲۵۸ لایحه مصوب ۱۳۴۷ شامل ۴ بند است که بند ۱ به تقسیم سود بین شرکا بر اساس ترازنامه مزور و منافع موهوم توسط مدیر شرکت می‌پردازد و بند ۲ این ماده ارائه ترازنامه غیرواقعی برای پنهان کردن وضعیت واقعی شرکت را مورد بحث قرار می‌دهد و همچنین در بند ۳ سوءاستفاده مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره از دارائی‌ها و اموال شرکت در جهت منافع شخصی خود و یا شرکتی که در آن ذینفع باشند، ذکر شده و در بند ۴ استفاده با سوءنیت مدیرعامل و اعضای هیات‌مدیره از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت صحبت شده است.

یکی دیگر از مواد مهمی که در این لایحه آمده است، ماده ۲۶۰ است. این ماده ایجاد اختلال در انجام وظایف بازرسان شرکت توسط مدیر یا مدیران را هدف قرار داده است و ضمانت اجرای سه

ماه تا دو سال حبس تأدیبی یا جزای نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال و یا هر دو را پیش‌بینی نموده است.

گرچه در قانون تجارت ایران سعی شده باوجود اهمیت شرکت‌های سهامی ضمانت اجراهای مناسبی برای تخلف مدیران در نظر بگیرد، در مورد شرکت‌های با مسئولیت‌های محدود با توجه به اینکه این قوانین مربوط به سال ۱۳۱۱ شمسی است و هیچ‌گاه به‌روز نشده‌اند، علیرغم اینکه این نوع شرکت، یکی از شرکت‌های بسیار پرطرفدار و رایج است، ضمانت اجراهای مناسبی برای تخلفات مدیران این نوع شرکت در نظر گرفته نشده است.

تنها ماده‌ای که می‌توان در قانون تجارت ایران در مورد مسئولیت کیفری مدیران شرکت با مسئولیت محدود یافت، ماده ۱۱۵ قانون تجارت است که صرفاً دارای سه بند است؛ و ضمانت اجرای آن این است که این قانون کسانی که مرتکب چنین اعمالی شوند را کلاه‌بردار می‌داند. بند ۱ آن اساساً در مورد اداره شرکت نیست بلکه ناظر به موارد الزامی زمان تأسیس شرکت است و در مورد مدیران و مؤسسانی است که در زمان ثبت شرکت با وجود عدم تأدیه سرمایه شرکت، اعم از نقدی و غیر نقدی، به‌طور کامل، پرداخت تمام آن‌ها را از طرف شرکا اظهار می‌کنند. بند ۲ این ماده نیز ناظر به زمان تأسیس شرکت و تقویم سهم الشرکه غیر نقدی به بیش از قیمت واقعی آن است.

بند ۳ این ماده را می‌توان تنها بندی دانست که وظایف مدیریتی که مورد نظر این مبحث است، مورد توجه قرار داده که آن‌هم بسیار مبهم و کلی است. در این بند صرفاً مدیری که بدون ارائه صورت دارائی و یا با ارائه صورت دارائی مزور، سود و منافع را بین شرکا تقسیم کند را کلاه‌بردار می‌داند.

متأسفانه در قانون تجارت ایران در مورد این شرکت هیچ‌گونه ضمانت اجرائی در مورد عدم ارائه ترازنامه و یا استفاده از دارائی‌های شرکت در جهت منافع شخصی توسط مدیر شرکت و یا انجام کاری که خلاف منافع شرکت است از سوی مدیر شرکت اشاره‌ای نشده است که خود عامل به وجود آمدن دعاوی متعدد بین شرکا و شرکت می‌شود و راه سوءاستفاده مدیران از سمت و جایگاه خود را باز می‌گذارد. ولی با رجوع به قانون تجارت فرانسه درمی‌یابیم که چنین ضمانت‌های اجرایی برای این‌گونه تخلفات پیش‌بینی شده است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

در قانون تجارت فرانسه نیز عناوین مختلف کیفری برای مدیر شرکت‌ها و حتی خود شرکت‌ها به عنوان شخصیت حقوقی در نظر گرفته شده است. ولی در این مبحث قصد داریم با گذر از مباحثی مانند مسئولیت کیفری شرکت‌ها و یا مسئولیت ناشی از اعمال شخصی مدیران (عمدی یا

غیر عمدی) به مسئولیت کیفری مدیران ناشی از وظایفی پردازیم. که در شرکت به عنوان یک مدیر بر عهده دارند و در قانون تجارت فرانسه به آن‌ها اشاره شده است،

در قانون تجارت فرانسه در مورد شرکت با مسئولیت محدود، بخشی از قوانین که شامل ۵ ماده^۱ می‌شود در خصوص «تخلفات مربوط به شرکت‌های با مسئولیت محدود» است که ۴ ماده آن شامل مسئولیت کیفری مدیر قانونی و یک ماده^۲ آن مربوط به مسئولیت کیفری مدیر عملی شرکت است. ماده 2-L241 مربوط به مسئولیت مدیران در مورد تخلف از محدودیت صدور اوراق بهادار برای این شرکت است و حبس شش ماهه و جریمه ۹۰۰۰ یورویی برای آن در نظر گرفته شده است. همچنین ماده 3-L241 که شامل ۵ بند است، دارای ضمانت اجرایی به مراتب قوی‌تر یعنی حبس پنج ساله و جریمه ۳۷۵۰۰۰ یورویی است که شامل مواردی مانند ارزیابی بالاتر از قیمت واقعی آورده به نحو کلاهبردانه در بند ۱ این ماده، تقسیم سود غیر واقعی بین شرکا در بند ۲ و همچنین ارائه ی بیلان سالانه غیر مرتبط با فعالیت‌های شرکت برای پنهان کردن وضعیت واقعی شرکت در بند ۳، به‌کارگیری منابع مالی و اعتبار شرکت با سوءنیت برای اهداف شخصی یا به نفع شرکت دیگر بر ضد منافع شرکت در بند ۴ و نهایتاً بند ۵ که مربوط به بکارگیری قدرت مدیر شرکت یا سهامش در جهتی خلاف منافع شرکت و برای منافع شخصی خودش و یا شرکت دیگر می‌شود.

از جمله مواد قانونی مهم دیگری که در این قسمت به آن اشاره شده، مواد 4-L241 و 5-L241 است که ضمانت اجرای مسئولیت مدیر در مورد مسائل مالی شرکت در قبال شرکاست. ماده 4-L241 در مورد تخلف مدیری است که برای هر فعالیتش، ترازنامه، حساب‌های سالانه و گزارش کار ارائه نمی‌دهد و ضمانت اجرای آن، یک جریمه ۹۰۰۰ یورویی است؛ و در ماده 5-L241 نیز که ضمانت اجرائی همانند ماده قبل دارد، همین جریمه برای مدیرانی که در مجمع عمومی، حساب‌های سالانه و گزارش کاری‌شان را برای هر یک از عملکردهایشان ارائه نمی‌دهند، در نظر گرفته شده است.

در قانون تجارت فرانسه در مورد شرکت‌های سهامی نیز مجازات‌هایی برای مدیری که عملکرد نادرستی از خود نشان می‌دهد در نظر گرفته شده است. البته این قوانین ذیل مواد قانونی شرکت‌های سهامی بی‌نام^۳ آمده که در ماده 1-L244 به همین نکته اشاره می‌کند و اشعار می‌دارد که

¹ Article L241-2, Article L241-3, Article L241-4, Article L241-5.

² Article L241-9.

³ Les sociétés anonymes

قوانین پیش‌بینی شده در مورد مجازات مدیران شرکت‌های سهامی بی‌نام قابل اجرا در مورد مدیران شرکت‌های سهامی نیز هست.^۱

مجازات‌های مربوط به مدیریت شرکت در مواد L242-6 و L242-8 آمده است. در ماده L242-6، پنج سال حبس و ۳۷۵۰۰۰ یورو مجازات نقدی برای مدیر یا مدیرانی در نظر گرفته شده است که بند ۱ آن ناظر به مدیری است که منافع موهومی را با نیت کلاهبردارانه بین سهام داران تقسیم کند که این بند شبیه بند ج ماده ۱۱۵ قانون تجارت ایران در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود و همچنین بند ۲ ماده L241-3 در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود تجارت فرانسه است. بند ۲ ماده L242-6، در مورد ارائه بی‌بیلان نادرست توسط مدیر برای پنهان نمودن وضعیت مالی واقعی شرکت است که شبیه بند ۳ ماده L241-3 در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود قانون تجارت فرانسه است. همچنین بند ۳ و ۴ ماده L242-6، در مورد سوءاستفاده از دارائی‌ها و اعتبار شرکت برای استفاده‌هایی که با منافع شرکت در تضاد است و یا استفاده از منابع مالی شرکت برای اهداف شخصی است که شبیه بند ۴ و ۵ ماده L241-3 در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود قانون تجارت فرانسه است؛ و در پایان جریمه ۹۰۰۰ یورویی برای مدیری که برای هر عملیاتی که در شرکت انجام می‌دهد ترازنامه و حساب‌های سالیانه و گزارش عملکرد ارائه ندهد؛ و نهایتاً ماده L242-8 نیز، مشابه ماده L241-4 در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود است و تخلف مدیری را در برمی‌گیرد که برای هر فعالیتش، ترازنامه، حساب‌های سالانه و گزارش کار ارائه نمی‌دهد و ضمانت اجرای آن، یک جریمه ۹۰۰۰ یورویی است.

قابل ذکر است، دیوان تمیز فرانسه، در مورد سوءاستفاده از دارائی‌های شرکت که در ماده L242-6 در مورد مدیران شرکت جرم انگاری شده است، محکومیت مدیرانی که از ارتکاب چنین عملی توسط مدیران دیگر نیز جلوگیری نکرده‌اند را با در نظر گرفتن وجود «ترک فعل عمدی»، مورد تأیید قرار داده است. (Daoud & Pugliese, 2013, p. 66)

تا اینجا مسئولیت مدیران قانونی در قانون فرانسه و ایران مورد بررسی قرار گرفت ولی سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که مدیرانی که توسط سهام داران و یا هیات‌مدیره انتخاب نشده‌اند و نام آن‌ها نه در اساسنامه شرکت و نه در آخرین روزنامه رسمی به عنوان مدیر شرکت مطرح نشده ولی عملاً سکان هدایت شرکت را به دست گرفته‌اند، میزان مسئولیت شان چقدر است؟ بررسی مسئولیت این اشخاص بر اساس کدام قانون انجام می‌شود؟

¹ Article L. 244-1 : Les peines prévues pour le président, les administrateurs ou les directeurs généraux des sociétés anonymes sont applicables au président et aux dirigeants des sociétés par actions simplifiées.

برای دستیابی به جواب این سوا لات، در ادامه سعی می‌شود با بررسی مفهوم مدیر عملی و حدود مسئولیت او از نظر کیفری و مدنی، به پاسخ قانع‌کننده‌ای در این مورد دست یابیم.

مفهوم مدیر عملی و حدود مسئولیت او

۱.۳. مفهوم و مصداق مدیر عملی

هر یک از نظریه‌پردازان فرانسوی تعریف مخصوص به خود را از مدیر عملی در قانون فرانسه ارائه نموده است. شاید کوتاه‌ترین تعریف از مدیر عملی متعلق به یکی از اندیشمندان فرانسوی باشد که معتقد است مدیر عملی کسی است که با اختیار کامل و به صورت مستقل فعل مثبتی در جهت اداره کردن و هدایت (شرکت) انجام می‌دهد. از این تعریف چنین برمی‌آید که هر شخصی فعل و نه ترک فعلی جهت اداره شرکت انجام دهد را می‌تواند مدیر عملی دانست. (Rives-Lange, 1975, p. 41)

ولی یکی دیگر از این اندیشمندان معتقد است که گاهی اوقات، اشخاص، مؤسسات یا مقامات، درحالی‌که حداقل نه به صورت رسمی، به‌عنوان مدیر و عضو هیات‌مدیره، منتصب نشده‌اند، اختیارات مدیریت که قانوناً از اعضای اداره کننده سلب شده است را غصب می‌کنند. (Jehasse, 2007, p. 54) که در این صورت از نظر او چنانچه این فرد مرتکب جرمی شود می‌توان او را به‌عنوان مدیر تحت تعقیب قرار داد زیرا ایشان معتقد است: برای اینکه کسی مدیر یا مدیر عملی محسوب شود، کافی است که فرد متهم، با اختیار کامل و به صورت مستقل فعل مثبتی در جهت اداره یا هدایت (موسسه) انجام دهد. (Jehasse, 2007, p. 54)

چنانچه به دنبال تعریف جامع‌تری از مدیر عملی باشیم باید به تعریف دیوان تمیز فرانسه در مورد این نهاد رجوع شود. این مرجع اظهار می‌دارد که مدیر عملی شامل اشخاص حقیقی و حقوقی می‌شود که بدون داشتن سمت نمایندگی شرکت، به صورت فصولی عهده‌دار انجام فعالیت‌های یک شرکت شده و با اختیارات کامل و به صورت مستقل یک فعالیت مثبت در جهت اداره شرکت و یا یک فعالیت مثبت مدیریتی در شرکت انجام دهد.^۱

موارد متعددی اتفاق می‌افتد که شخص حقوقی از داشتن مدیر قانونی محروم می‌شود و در این صورت عموماً شخصی که بیشتر از همه منافعش درخطر است و یا سهم بیشتری در شرکت دارد، با توجه به قدرتی که دارد اداره‌ی شرکت را به عهده می‌گیرد. این اشخاص، حسب مورد، می‌توانند شرکایی باشند که اکثریت سهام را دارند و عنوان مدیران شرکت را ندارند یا دیگر اعضای

^۱ Cass. com. 3 mars 2003, RJDA 2003, n° 724, legifrance.gouv.fr.

مؤسسات و یا برخی اشخاص ثالث مانند یک مدیر سایه^۱ یا طلب کاران شرکت باشند که به خاطر نگرانی از برگشت طلبشان به صورت فضولی اداره شرکت را در دست می‌گیرند. (Staechele- (Stefanova & Schmit, 2015, p. 208

ولی در زمانی که شخصی به صورت فضولی اداره یک شرکت را به عهده می‌گیرد چه مسئولیت‌هایی بر او بار می‌شود؟ و آیا او می‌تواند با توجه به اینکه رسماً مدیر شرکت نیست از این مسئولیت‌های شانه خالی کند؟

۱.۴. مسئولیت مدنی مدیر عملی

مسئولیت مدنی مدیر عملی در قانون فرانسه بر اساس مواد قانونی ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه است که شباهت بسیاری بین این دو ماده و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ایران^۲ وجود دارد؛ زیرا ماده ۱۳۸۲^۳ قانون مدنی فرانسه چنین اشعار می‌دارد: هر عملی که از جانب کسی سر بزند و موجب خسارت به دیگری شود، شخص مقصر ملزم به جبران آن است؛ و همچنین ماده قانونی ۱۳۸۳^۴ اشعار می‌دارد: هر کس مسئول خسارتی است که موجب آن شده، نه تنها به وسیله‌ی فعل او؛ بلکه به خاطر بی‌مبالاتی و یا بی‌احتیاطی‌اش. آنچه مبرهن است این است که مسئولیت مدنی مدیر عملی با توجه به مواد قانونی مذکور مبتنی بر تقصیر بوده و برای اثبات آن باید تقصیر او ثابت شود. ولی آیا مسئولیت‌هایی که هنگام عادی بودن وضعیت شرکت طبق قانون تجارت متوجه مدیر قانونی شرکت می‌شود متوجه مدیر عملی هم می‌شود؟

یکی از اندیشمندان فرانسوی، مسئولیت مدیر عملی را مورد بررسی قرار داده است و این سؤال را مطرح می‌کند که اصولاً چه نوع مسئولیتی متوجه مدیران عملی است؟ و در جواب اظهار می‌دارد که البته این اشخاص تحت قوانین کیفری و تحت قوانین عمومی مدنی (مشخصاً) ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی هستند. همچنین قوانین شرکت‌ها در برخی موارد، مسئولیت آنان را پیش‌بینی کرده است. برای

^۱ مدیر سایه شخصی است که برای رهائی از مسئولیت، شرکت را از پشت صحنه مدیریت میکند و در صورتی به عنوان مدیر سایه شناسائی میشود که بر اکثر اعضای هیئت مدیره کنترل مستمر داشته باشد. (عیسانی تفرشی & رضائی آکردی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۳)

^۲ هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

^۳ Tout fait quelconque de l'homme, qui cause à autrui un dommage, oblige celui par la faute duquel il est arrivé à le réparer.

^۴ Chacun est responsable du dommage qu'il a causé non seulement par son fait, mais encore par sa négligence ou par son imprudence.

مثال در مورد عملکرد آنان زمانی که دیون شرکت منتسب به آنان است و یا به دلیل نقصان یا اشتباه در مورد اطلاعات در اسناد شرکت. برعکس، قوانین مربوط به مسئولیت مختص مدیران و اعضای هیئت‌مدیره قانونی، شامل حال آنها نمی‌شود.

او در ادامه می‌افزاید: مدیران و اعضای هیئت‌مدیره قانونی نمی‌توانند برای معافیت از مسئولیت شان پشت دخالت‌های غیرقانونی مدیر عملی مخفی شوند. برعکس در برابر چنین شرایطی، آنها باید تمام اقدامات لازم برای مقابله با چنین رفتاری را بنمایند و در عندالافتضا از سمت خود کناره‌گیری نمایند. (Jehasse, 2007, p. 55)

باید در نظر داشت، تقصیر مدیر عملی طبق قواعد عمومی، از تقصیری که مسئولیت مدنی مدیر قانونی را با استناد به مواد L. 223-22 و L. 225-251 قانون تجارت فرانسه در مورد شرکت‌های مسئولیت محدود و شرکت سهامی مسئول می‌داند، مجزا است. تقصیر مدیر بر اساس قواعد عمومی جنبه عمومی دارد زیرا نتیجه تخلف از تکلیف عمومی ضرر نرساندن به دیگری است و بر اساس هرگونه عمل مجرمانه که منتسب به مدیر عملی باشد پایه‌گذاری شده است. (Nze Ndong dit, Mbele, 2008, p. 257)

در واقع، طبق ماده^۱ L223-22 قانون تجارت فرانسه در مورد شرکت با مسئولیت محدود (مدیران، منفرداً یا متضامناً، حسب مورد، در برابر شرکت و شخص ثالث، چه در مورد نقض قوانین و مقررات قابل اجرا در شرکت‌های مسئولیت محدود، چه در مورد تعدی از اساسنامه و چه در مورد ارتکاب تقصیر در اداره شرکت، مسئول هستند.) ولی سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا قوانین وضع شده در مورد مسئولیت مدیران شرکت در زمان عادی قابل اجرا در مورد مدیران عملی نیز هست یا خیر؟

برای جواب به این سؤال باید به آرای دیوان تمیز فرانسه مراجعه نمود. باید در نظر داشت که در قانون تجارت فرانسه به صورت اختصاصی قواعدی در مورد مسئولیت مدنی مدیر عملی در زمانی که شرکت در زمان عادی است پیش‌بینی نشده است با این حال آرای دیوان تمیز این کشور در دو حکم جداگانه در ۶ اکتبر ۱۹۸۱ و همچنین ۲۱ مارس ۱۹۹۵ مؤید این نظر است که قوانین مربوط به مسئولیت مدنی مدیران قانونی قابل تسری به مدیر عملی نیست و مسئولیت مدیر عملی

^۱ Les gérants sont responsables, individuellement ou solidairement, selon le cas, envers la société ou envers les tiers, soit des infractions aux dispositions législatives ou réglementaires applicables aux sociétés à responsabilité limitée, soit des violations des statuts, soit des fautes commises dans leur gestion.

صرفاً بر اساس قواعد عمومی قانون مدنی سنجیده می‌شود. (Nze Ndong dit Mbele, 2008, p.)
(259)

توضیح اینکه رأی صادرشده توسط دیوان تمیز در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۸۱ مربوط به حکم دادگاه تجدیدنظر روان فرانسه در تاریخ ۲۶ می ۱۹۷۷ در مورد مدیر عملی شرکت با مسئولیت محدودی است که شرکا او را طرف دعوا قرار داده‌اند. دادگاه تجدیدنظر بر اساس ماده ۵۲ قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ در مورد مسئولیت مدیران قانونی این نوع شرکت، مدیر عملی را به خاطر خطای مدیریتی محکوم می‌نماید. ولی پس از فرجام‌خواهی از این رأی، دیوان تمیز با ادعای قابل اجرا نبودن این قانون در مورد مدیر عملی، حق را به فرجام‌خواه می‌دهد و نظر دادگاه تجدیدنظر را درست نمی‌داند.

در مورد مطروحه در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۹۵ در دیوان تمیز که طی آن شرکای یک شرکت با مسئولیت محدود، مدیر عملی شرکت را به خاطر خسارات وارده به آن‌ها به دلیل خطای مدیریتی طرف دعوی قرار داده‌اند، دادگاه تجدیدنظر اکس آن پرووانس فرانسه، با استناد به اینکه ماده ۵۲ قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶، تفاوتی بین مدیر قانونی و مدیر عملی شرکت با مسئولیت محدود قائل نشده، این درخواست را می‌پذیرد ولی دیوان تمیز مانند مورد مطرح‌شده در ۶ اکتبر ۱۹۸۱ که به آن اشاره شد، رأی دادگاه تجدیدنظر را شکسته و اظهار می‌دارد که متن موردنظر صرفاً در مورد افعال ارتكابی مدیر قانونی جاری است.

از سوی دیگر، وجود یک شریک در ایجاد خسارت تأثیری در معافیت مدیر عملی یا محدود نمودن مسئولیت او ندارد و از تعهد او به جبران خسارت به صورت کامل نمی‌کاهد. به همین دلیل شخصی که به صورت عملی یک شرکت را اداره نموده است نمی‌تواند برای کاهش محکومیتش به معاونت یک مدیر قانونی یا شخص دیگر در ایجاد خسارت متوسل شود (...). اما این مسئله با درخواست او از شرکایش برای جبران خسارت، تضادی ندارد. این نوع جبران خسارت بین عاملان مشترک یک خسارت کاملاً توسط قواعد عمومی پذیرفته شده است. (Nze Ndong dit Mbele,)
(2008, p. 263)

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که بررسی مسئولیت مدیر عملی به عنوان یک موضوع قوانین عمومی مدنی و بدون در نظر گرفتن مسئولیت‌هایی که جایگاه او در شرکت بر عهده او گذاشته می‌شود، یک امتیاز برای مدیر عملی است یا اینکه موجب افزایش مسئولیت او می‌شود؟ چنانچه قانون مدنی را به عنوان یک قانون مادر و قانون تجارت را به عنوان مخصص آن در نظر بگیریم، درمی‌یابیم که قائل نشدن جایگاه یک مدیر قانونی برای مدیر عملی، گرچه او را از

دریچه‌ی قانون تجارت از برخی مسئولیت‌ها معاف می‌نماید، قضاوت در مورد او را به قانون مدنی که بسیار وسیع‌تر است، می‌سپارد که در این صورت میزان مسئولیت او از هر نظر افزایش می‌یابد و نه کاهش.

۱.۵. مسئولیت کیفی مدیر عملی شرکت در زمان عادی

قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ در مورد شرکت‌های تجاری ضمانت اجرایی را برای شرکت‌های با مسئولیت محدود و شرکت‌های سهامی در نظر می‌گیرد که قابل‌اعمال به «هر شخصی است که مستقیماً یا به‌واسطه‌ی شخص دیگر، عملاً به اداره شرکت‌های تحت پوشش بپردازد یا به‌جای نماینده‌ی قانونی‌شان آن‌ها را اداره کند.»^۱ این مواضع تمام اشخاصی که فعالیت‌های شرکت‌های ذکر شده را بدون داشتن سمت و صلاحیت مدیر قانونی، هدایت می‌کنند، منکوب می‌کند. در واقع این مواضع قانون‌گذار بر این اساس بنا شده که موجودیت یک شرکت تأسیسی است و نه قراردادی؛ زیرا بر اساس نگرش تأسیسی خواست و مواضع قانونی جانشین خواست و اراده اولیه شرکا در تشکیل، عملکرد و انحلال شرکت می‌شود. این قانون بیانگر اوصاف مدیر عملی در فرضی است که شرکت در حالت عادی باشد و در مورد اشخاصی است که بدون داشتن قدرت قانونی به اداره یک شرکت پرداخته‌اند.

همان‌طور که اشاره شد، قانون‌گذار فرانسه در مورد شرکت با مسئولیت محدود در ماده L. 241-9 به‌صراحت ذکر نموده است که قوانینی که در مورد تخلفات مدیر قانونی شرکت وضع شده است بر مدیر عملی شرکت نیز حاکم است. در این ماده به مواد مربوط به مجازات‌های تعیین شده در مورد تخلفات مدیر شرکت با مسئولیت محدود اشاره شده^۲ و به‌صراحت اشعار می‌دارد: ترتیبات اشاره شده در مواد L.241-2 تا L. 241-6 در مورد کلیه اشخاصی که مستقیماً یا به‌واسطه‌ی شخص دیگر، تحت پوشش مدیر قانونی آن و یا به‌جای او، عملاً، اداره‌ی شرکت با مسئولیت محدود را به عهده دارند، قابل اجراست.^۳ در این ماده همان‌طور که مشاهده می‌شود قانون‌گذار با آوردن کلمه «عملاً» و اشاره به شرایط دارا بودن مسئولیت مدیریت در مورد کسانی که جایگزین مدیر قانونی می‌شوند و یا تحت پوشش او به اداره شرکت می‌پردازند، همان مسئولیت‌های جزائی که در مورد

^۱ Loi n°66-537 du 24 juillet 1966 sur les sociétés commerciales - Article 478.

^۲ به این مواد قانونی در قسمت «مسئولیت قراردادی مدیر شرکت در قانون تجارت ایران و فرانسه» در همین مقاله اشاره شده است.

^۳ Article L241-9 : Les dispositions des articles L. 241-2 à L. 241-6 sont applicables à toute personne qui, directement ou par personne interposée, aura, en fait, exercé la gestion d'une société à responsabilité limitée sous le couvert ou au lieu et place de son gérant légal.

مدیر قانونی قائل شده، برای مدیر عملی نیز در نظر گرفته است. این دیدگاه قانون‌گذار بیانگر این مطلب است که مدیر عملی وقتی در جایگاه یک مدیر قانونی قرار می‌گیرد و به اداره شرکت می‌پردازد، قاعدتاً نباید ناآگاهی‌اش از قوانین حاکم بر شرکت و محدودیت‌های قائل شده در اساسنامه شرکت برای مدیران، او را از مسئولیتی که به عهده دارد، مبرا کند؛ زیرا مدیر عملی با توجه به اینکه مدیر شرکت به‌نوعی نماینده شرکت محسوب می‌شود باید مصلحت شرکا و اشخاص ثالث را مدنظر داشته باشد و همچنین به‌عنوان اداره‌کننده ی فعلی شرکت باید از قوانین موضوعه در مورد حدود وظایفش اطاعت کند.

۱.۶. مسئولیت مدیر عملی در زمان فوق‌العاده

قانون‌گذار فرانسوی به‌وسیله‌ی قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۷ در مورد رسیدگی قضائی تصفیه و نقد کردن دارائی‌ها، ورشکستگی شخصی و تخلف در زمان ورشکستگی^۱ مسئولیت‌های بیشتری برای مدیر عملی قائل می‌شود. این قانون همان محدودیت‌هایی که در زمان رسیدگی به ورشکستگی در مورد مدیر قانونی قائل می‌شود را برای مدیر عملی اعمال می‌نماید. در این قانون، در چهار ماده (مواد ۲۱، ۷۵، ۹۹ و ۱۰۱) بدون نام بردن از نوع شرکت، از مدیر عملی در کنار نام مدیر قانونی استفاده می‌نماید در صورتی‌که در قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ اصطلاح مدیر عملی فقط در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود و شرکت‌های سهامی به‌کاررفته بود.

۱.۷. مسئولیت مدیر عملی در امور مالی شرکت

منفعت جمعی مشخص‌کننده ی محدوده ی قدرت مدیر در زمینه‌ی امور مالی شرکت در قانون تجارت فرانسه است. در واقع کاری که برخلاف منفعت جمعی باشد به‌عنوان «عمل ناهنجار مدیریتی»^۲ شناخته می‌شود. برخی از اندیشمندان معتقدند که عمل ناهنجار مدیریتی «عموماً عملی است که زیان یا مخارجی را به عهده‌ی شرکت یا موسسه می‌گذارد و یا بدون آنکه این عمل از نظر منفعت بهره‌برداری تجاری قابل توجیه باشد، شرکت را از درآمدی محروم سازد.» (Delcourt, 2008, p. 61) گرچه برخی دیگر معتقدند که عدم شفافیت قانون‌گذار در تعیین مصداق دقیق منفعت بهره‌برداری تجاری، خود منشأ برخی مشکلات قضائی می‌شود. (Collet, 2003, p. 536)

خصوصیت ناهنجار بودن مدیریت با توجه به منفعت اقتصادی و مالی شرکت موردنظر سنجیده می‌شود. از این رو هرگاه مدیر شرکت کم‌وبیش و منحصرأ به نفع شخص ثالثی عمل نماید و شرکت با در نظر گرفتن مخارجی که متحمل شده از این کار چیزی جز منافع موهوم نصیب نشود،

^۱ Loi n° 67-563 du 13 juillet 1967 sur le règlement judiciaire, la liquidation des biens, la faillite personnelle et les banqueroutes.

^۲ L'acte anormal de gestion

می‌توان گفت که عمل ناهنجار مدیریتی صورت گرفته است. (Nze Ndong dit Mbele, 2008, p. 66) ولی از نظر کیفری، دیوان تمیز فرانسه، تخلفات مدیر شرکت را زمانی عمل ناهنجار مدیریتی می‌داند که باعث خطر مجازات کیفری قطعی برای شرکت مورد نظر شود. پس هنگامی که مدیر قانونی یا مدیر عملی از طریق ابزارهای غیرقانونی به دنبال منافع شرکت باشد، دادگاه جرم سوءاستفاده از دارایی شرکت را محقق می‌داند.

۱.۸. مسئولیت شخص حقوقی به‌عنوان مدیر عملی^۱

می‌دانیم که مدیر عملی مسئول جبران خسارتی است که به تقصیر موجب آن شده است. ولی هنگامی که مدیر عملی یک شخص حقوقی باشد، ممکن است در مورد اینکه نهایتاً چه کسی باید خسارتی که به شخص ثالث وارد شده را باید جبران کند، شک و تردیدهایی وجود داشته باشد. بر اساس اصول مربوط به نمایندگی شخص حقوقی، جبران خسارتی ناشی از قصور افرادی که به‌صورت قانونی مسئولیت نمایندگی شخصیت حقوقی را ایفا می‌کنند به عهده‌ی شخص حقوقی است، مگر اینکه شخص خطاکار مرتکب تقصیری شده باشد که خارج از محدوده وظایف و عملکردش به‌عنوان مدیر شرکت باشد.

باید در نظر داشت که در حقوق مثبت، مدیر عملی که محدودیتش در زمینه‌ی مسئولیت‌های مالیاتی و کیفری را مراعات ننماید، همان مسئولیتی که مدیر قانونی بر عهده دارد بر او بار می‌شود، چه شرکت در وضعیت عادی باشد و چه نباشد؛ اما در واقع، زمانی که شرکت دچار مشکل شده است، مدیر عملی به‌عنوان مدیر قانونی در نظر گرفته می‌شود و همان مسئولیت‌های مدنی، کیفری و مالیاتی که به عهده‌ی مدیر قانونی طبق همان قواعد بر او بار می‌شود، زیرا او همان قدرتی را اعمال نموده که مدیر قانونی در اداره شرکت به کار می‌گیرد.

سؤالی که مطرح است این است که آیا مسئولیت کیفری شخص حقوقی را می‌تواند به عهده‌ی مدیر عملی که صرفاً عامل اجرای مادی تخلف است، گذاشت؟ دکترین فرانسه بر این عقیده است که محدود شدن (این مسئولیت) به عاملان قانونی هرگز نمی‌تواند مورد قصد و نیت قانون‌گذار باشد. برعکس، تشبیه کامل مدیران عملی به مدیران قانونی، از شخص حقوقی، بیشتر قربانی می‌سازد تا یک مجرم. (Merle & Vitu, 2001, p. 605) در نتیجه بسیاری از مشاوران حقوقی یک راه‌حل بینا بینی پیشنهاد می‌کنند (بدین‌صورت که) چنانچه همه افراد در تمام رده‌ها در جریان این موضوع باشند، مدیر عملی مسئولیت شخص حقوقی را به عهده خواهد گرفت. باین‌حال به نظر

^۱ Cour de cassation, criminelle, Chambre criminelle, 22 avril 1992, 90-85.125, Publié au bulletin.

می‌رسد که رویه‌ی قضائی فرانسه تمایل به تشبیه کامل مدیر قانونی و مدیر عملی دارد. (Geeroms, 1996, p. 551)

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه تمام دارائی‌های یک شرکت در ید مدیران قرار دارد و آن‌ها هستند که با درایت می‌توانند شرکت را به سوددهی که هدف غائی یک شرکت تجاری برسانند و یا با اشتباهات و یا سوءاستفاده از سمتشان زمینه‌ی نابودی یک شرکت را فراهم کنند، قانون‌گذار در کشورهای فرانسه و ایران سعی نموده با توجه ساختار هر شرکت میزان مسئولیت هر مدیر را مشخص و ضمانت اجرایی برای جلوگیری از تعدی و تفریط مدیران در نظر بگیرد. بررسی میزان مسئولیت مدیران در شرکت‌های تجاری ایران و فرانسه، در مواردی که مورد تجزیه و تحلیل این مقاله بوده، بیانگر این موضوع است که قانون تجارت ایران در مورد مسئولیت مدیران شرکت‌ها دارای کاستی‌های زیادی نسبت به قانون تجارت فرانسه است.

گرچه در لایحه‌ی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ سعی شده که برخی از کاستی‌ها رفع شود ولی این اتفاق گویا صرفاً در زمینه شرکت‌های سهامی با توجه به اهمیتشان رخ داده است که نزدیکی برخی قوانین تصویب‌شده در این قانون با قوانین وضع‌شده در قانون فرانسه بیانگر گرت‌برداری برخی از این قوانین از قانون فرانسه است با این تفاوت که در قانون فرانسه برخی از این قوانین مخصوصاً زمانی که این قوانین به دوام و قوام شرکت ضربه می‌زند نه تنها در مورد شرکت‌های سهامی بلکه حتی در مورد شرکت‌های مسئولیت محدود نیز وضع نموده است.

بی‌شک سمت مدیریت یکی از ارکان مهم هر شرکت است که با توجه به مسئولیت‌هایی که بر عهده دارد نمی‌تواند خالی بماند ولی ممکن است یک شرکت به هر دلیل مدیر خود را از دست بدهد و اختلاف نظر بین اعضای هیات‌مدیره و یا سهام داران در مورد انتخاب مدیر جدید و یا عدم امکان و یا آمادگی آن‌ها برای این کار شرکت را در وضعیت خطرناکی بین ادامه زندگی و یا نابودی قرار دهد. در این زمان عموماً شخصی که بیش از همه منافع خود را در خطر می‌بیند اعم از اینکه یکی از شرکا باشد و یا شخص ثالث سعی می‌کند وظیفه‌ی مدیریت را به عهده گیرد. شخصی که عملاً و نه رسماً و قانوناً این پست را اشغال می‌کند و به‌طور مستمر به این کار ادامه می‌دهد مدیر عملی نام دارد.

مدیر عملی گرچه در جایگاه مدیریت قرار دارد ولی گویا قانون فرانسه مسئولیت‌های مدنی او را مطابق قانون تجارت بررسی نمی‌نماید بلکه چنانچه خسارتی به شرکت وارد نماید بر اساس

قواعد عمومی و قانونی مدنی مسئولیت او بررسی می‌شود. البته بررسی مسئولیت مدیر عملی طبق قانون مدنی باعث نمی‌شود که از مسئولیت مدیر عملی کاسته شود بلکه باعث می‌شود که او نه به‌عنوان یک مدیر شرکت بلکه مانند یک شخص معمولی، کلیه‌ی تکالیف و ضمانت‌های اجرایی قانونی بر عهده‌ی او گذاشته شود که این کار باعث می‌شود مسئولیت سنگین‌تری بر عهده‌ی او باشد.

در مورد مسئولیت کیفری مدیر عملی، قانون فرانسه رویه کاملاً متفاوتی از مسئولیت مدنی مدیر عملی را در پیش گرفته است. در زمانی که یک شرکت در وضعیت عادی به سر می‌برد، قانون فرانسه ضمانت‌های اجرایی را برای مدیران شرکت‌های با مسئولیت محدود و سهامی که به‌صورت رسمی و قانونی به اداره شرکت می‌پردازند در نظر گرفته است و همچنین در زمان فوق‌العاده، زمانی که شرکت در حال تصفیه یا ورشکستگی است، قانون فرانسه تمامی مسئولیت‌های یک مدیر قانونی را به مدیر عملی تسری می‌دهد.

مسئولیت‌های مالی مدیران یکی دیگر از مسئولیت‌هایی است که در مورد مدیران عملی و قانونی مشابه است؛ و در قانون فرانسه زمانی تقصیر مدیران در این زمینه ضمانت اجرای کیفری دارد که این عمل یک عمل ناهنجار مدیریتی محسوب شود که شامل کلیه اعمالی است که به شرکت زیان وارد کند و یا بدون توجه اقتصادی شرکت را از درآمدی محروم نماید.

باید توجه داشت در جایی که یک شخص حقوقی در حال اداره یک شرکت به‌عنوان مدیر عملی است، با توجه به اینکه شخص حقیقی که در حال انجام این مأموریت است نماینده‌ی شخص حقوقی محسوب می‌شود، مسئولیت اعمال او به عهده‌ی شخص حقوقی است مگر اینکه مدیر عملی نماینده شخص حقوقی از حدود مسئولیتی که به عهده‌ی او گذاشته شده است تعدی و تفریط نموده باشد.

در نهایت، نظر به اینکه در حال حاضر، نبود قانون مدون و ضمانت اجرای لازم در مورد مسئولیت‌های مدیران عملی در قانون ایران وجود ندارد و این نقصان باعث طرح پرونده‌های متعدد در دادگاه‌های کشور می‌شود، پیشنهاد می‌شود در وهله‌ی اول این نهاد در قانون ایران، شناسایی و سپس ضمانت‌های اجرایی مناسب جهت الزام شرکت‌های تجاری به تعیین مدیر قانونی، زمانی که به هر دلیلی مدیر قانونی خود را دست داده‌اند، پیش‌بینی شود.

فهرست منابع

۱. اسکینی, ر. (۱۳۸۷). حقوق تجارت, شرکت‌های تجاری (جلد اول). تهران: سمت.
۲. اسکینی, ر. (۱۳۸۸). حقوق تجارت, شرکت‌های تجاری (جلد دوم). تهران: سمت.
۳. زاهدی, ع. (تدوین). (۱۳۹۴). مجموعه قوانین مقررات قانون تجارت. تهران: انتشارات جاودانه, جنگل.
۴. ستوده تهرانی, ح. (۱۳۷۵). حقوق تجارت, جلد دوم. تهران: نشر دادگستر.
۵. عیسائی تفرشی, م. و رمضانی آکردی, ح. (۱۳۹۲, پاییز). مفهوم و مسئولیت مدیر سایه در حقوق شرکت‌های تجاری (مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران). پژوهش‌های حقوق تطبیقی, ۱۱۳-۱۳۴.
6. Braudo, S., & Baumann, A. (Producer). (2016, août 11). *Dictionnaire du droit privé français*. Retrieved from <http://www.dictionnaire-juridique.com/notice.php>
7. Collet, M. (2003). Contrôle des actes de gestion : pour un retour à l'anormal. *Revue de Droit Fiscal n°14* .
8. Daoud, E., & Pugliese, M. (2013, 4). La responsabilité pénale des dirigeants sociaux. *Sécurité et stratégie*, 64-73.
9. De Cordt, Y. (2009). *Le statut du dirigeant d'entreprise*: Éditions Larcier.
10. Delcourt, O. (2008). Les opérations de trésorerie internes aux groupes de sociétés: aspects juridiques et fiscaux: Publibook.
11. Geeroms, S. (1996). La responsabilité pénale de la personne morale : une étude comparative. *Revue internationale de droit comparé*, 533-579 .
12. Jehasse, P. (2007). La responsabilité du dirigeant d'entreprise: Edipro.
13. Merle, R., & Vitu, A. (2001). *Traité de droit criminel: Procédure pénale*: Cujas.
14. Nze Ndong dit Mbele, J.-R. (2008). *Le dirigeant de fait en droit privé français*. Nancy 2.
15. Rives-Lange, J. (1975). La notion de dirigeant de fait au sens de l'article 99 de la loi du 13 juillet 1967 sur le règlement judiciaire et la liquidation des biens *Rec. Dalloz*, 41 .
16. Staechele-Stefanova, Y., & Schmit, J. M. (2015). Un siècle d'application de la loi du 10 août 1915 concernant les sociétés commerciales: Kluwer België.